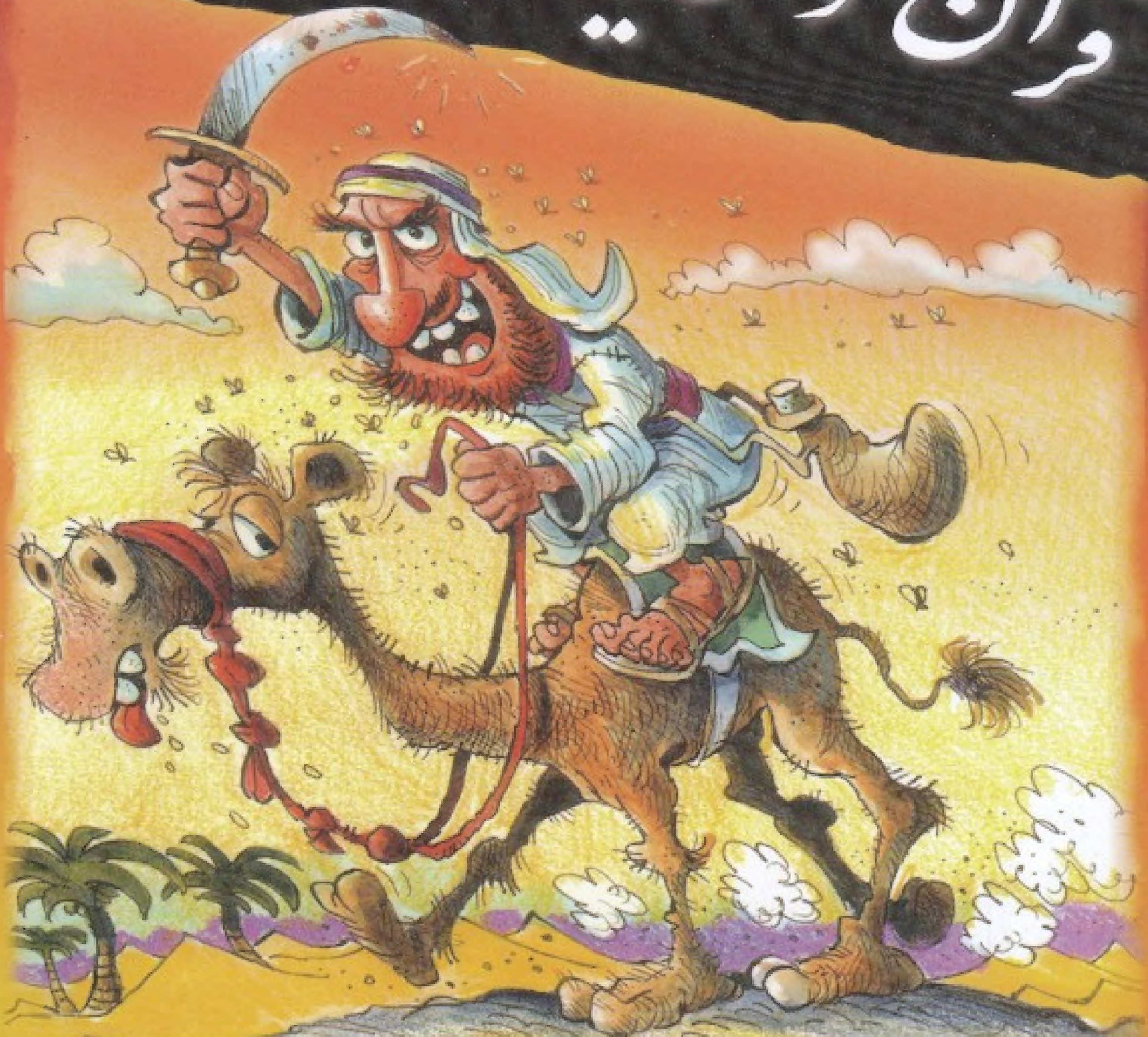
قرآن و حدیث در تصویر



به کوشش عبدالله عزیز

برگردان دکتر مسعود انصاری



با توجه به اینکه بسیاری از غربی ها اسلام را پذیرش کرده‌اند، بابسته است که انها تمام اموزش‌های اسلامی را نیز بدانند و بپذیرند. برای اینکار، تمام مسلمانان باید به انچه که در قران و حدیث امده، ایمان بیاورند و انها را مورد عمل قرار دهند. مسلمانان باید بدانند که نادیده گرفتن هر یک از اصول، احکام و اموزش های اسلامی، برگشتگی از دین بشمار می‌رود و مجازات چنین گناهی بسیار شدید و مرگ (۱) است. باشد که تمام مسلمانان انچه را که بعنوان وحی در قران امده است، بخوانند و به ان عمل کنند.

عبدالله عزیز

واژهٔ مرگ از مترجم است. (نگاه کنید به ایه‌های ۶۱ و ۶۲ سورهٔ احزاب، حدیث‌های ۴۱۲۰، ۴۱۲۱، و ۴۱۵۲ ،صحیح مسلم، و حدیث شمارهٔ ۲۷۱ ،صحیح البخاری، در جلد نهم، صفحهٔ ۲۰۱).

بازنمود:
تمام ترجمه‌های ایه‌های قران که در این نشریه امده، از قران مهدی الهی قمشه ای که بوسیلهٔ حکومت جمهوری اسلامی مورد تصویب قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده، برداشت شده است.

قرآن و حدیث در تصویر

هنگام نماز خواندن به‌سمت بالا نگاه نکنید.











حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۳۵۴: ابوذر روایت کرد که محمد پیامبر الله، اظهار داشت، «هنگامی که من در مکه بودم، سقف اتاق خانه‌ام برداشته شد و جبرئیل در اتاق فرود آمد و سینه مرا پاره کرد و آنرا با آب زمزم شستشو داد. سپس، محتویا ت یک سینی طلائی را که پر از عقل و ایمان بود، در سینه من ریخت و پارگی آنرا بست.

پایان

سپاس و ستایش

بایسته است از دوست فروهنده‌ام، جناب آقای مهندس مهیار ایرانی که با مهر و کوششی سخاوتمندانه و نیزدانش گسترده و هنر فرجودگر خود، امکان تولید این نشریه را فراهم فرمودند، از ژرفای دل سپاسی که هوده‌رسان مهر و کوشش ایشان نخواهد بود، به‌پیشگاه والایشان فراداشت کنم.

دکتر مسعود انصاری

حدیث

صحیح‌البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۳۴: عایشه روایت کرده است، «هنگامی که ۶ ساله بودم، محمد پیامبر الله مرا نامزد کرد ... در آنزمان من با کودکان همبازی‌ام، بازی چرخش می‌کردیم ... یک روز بعد از ظهر، پیامبر الله به‌گونه ناگهانی به‌خانه ما آمد و مادرم مرا به‌او تحویل داد. من ۹ سال بیشتر نداشتم.»

صحیح‌البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۳۶: محمد پیامبر ... هنگامی که عایشه ۶ ساله بود با او زناشوئی کرد و زمانی که عروس به ۹ سالگی رسید، او را به‌حجله برد.

پیامبر الله و حبشی‌ها



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۶۶۲: انس بن مالک روایت کرده است که محمد پیامبر الله گفت، «یک فرد حبشی که سر او شبیه یک دانه کشمش می‌باشد.» (به‌حدیث جلد نهم، شماره ۲۵۶ نیز نگاه کنید.)

جبرئیل فرشته، سینه محمد را پاره کرد





ران پیامبر الله لخت بود

حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۳۶۷: عبدالعزیز از قول انس بن مالک روایت کرده که، «هنگامی که محمد پیامبر الله به‌خیبر حمله کرد، ما پیش از طلوع خورشید درخواست کردیم، نماز بامداد را برگزار کنیم. محمد و ابو طلحه سوار شتر شدند و منهم پشت سر ابو طلحه برای برگزاری نماز به‌راه افتادیم. هنگامی که از کنار دیوارهای خیبر می‌گذشتیم، زانوی من با ران محمد پیامبر الله، برخورد کرد. در این زمان شال کمر پیامبر الله بالا رفته بود و ران او لخت بود.»



موهای سر محمد پیامبر الله، چه رنگی داشت؟



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۱۶۷: بدون تردید، محمد پیامبر الله، موهایش را باحنا به‌رنگ قرمز درمی‌آورد و از اینرو، من نیز میل دارم، موهایم را با حنا رنگ کنم.

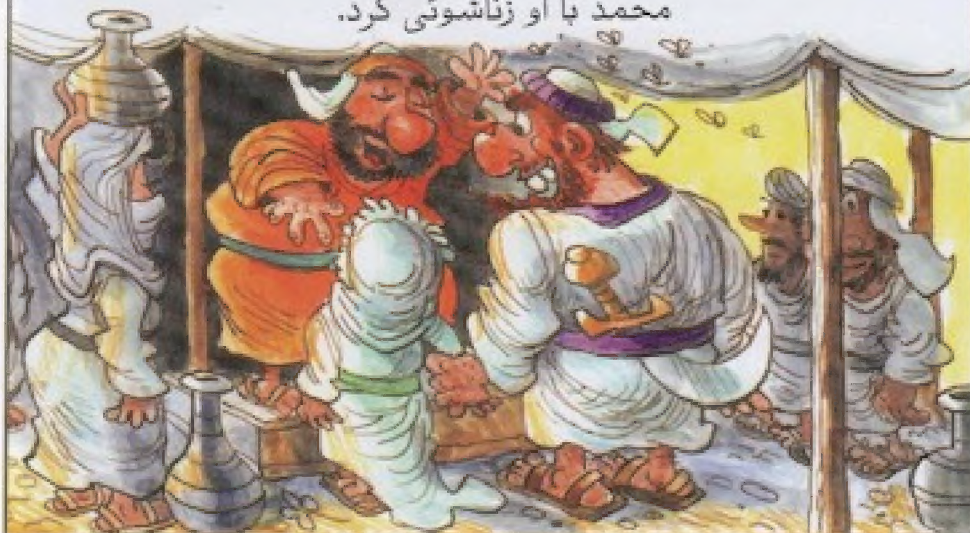
به‌حدیث‌های جلد چهارم، شماره ۷۴۷ ، جلد هفتم شماره ۷۸۵ نیز نگاه کنید.

عروس کودک سال

زمانی که عایشه ۶ ساله بود، محمد او را نامزد خودش کرد ....



... وهنگامی که عایشه ۹ ساله شد محمد با او زناشوئی کرد.



درمان بخشی برگهای نخل (درخت خرما)

حدیث

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۴۴۳:

هنگام گذر کردن از گورستان، محمّد به‌گور دو نفر رسید که فرشته‌های عذاب آنها را در آن گور شکنجه می کردند .... محمد یک برگ سبز درخت خرما را برداشت و آنرا به‌دو تکه بخش کرد و هر یک را روی گور هر یک از آن دو قرار داد و اظهار داشت، «امیدوارم تا زمانی که این دو تکه برگ نخل خشک می‌شوند؛ از عذاب این دو فرد کاسته شود.»

اگر شما برگ سبز نخلی را روی گور مرده‌هائی که در دوزخ زیر شکنجه و عذاب هستند قرار دهید، همچنانکه آن برگ خشک می‌شود، از شدت فشار عذاب آن مرده کاسته خواهد شد.



پوست بدن محمد چه رنگی داشت؟





حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۶۳: زمانی ما با محمد در مسجد نشسته بودیم، مرد شترسواری وارد مسجد شد و شترش را وادار کرد، زانو و افسار آنرا بست و سپس اظهار داشت، «کدامیک از شما محمد است؟» در آن زمان محمد بین ما نشسته و به‌بازوانش تکیه داده بود. ما گفتیم، «آن مرد سفیدپوستی که به‌بازوانش تکیه داده است.»

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۱۲۲: محمد مردی سفیدپوست بوده است.

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۱۴۱: انس بن مالک روایت کرده است که محمد پیامبر الله هیچگاه دستهایش را هنگام دعا کردن بلند نمی‌کرد، مگر برای استسقا. (دعا برای رفع بی‌آبی). در این زمان نیز دستهایش را تا آن اندازه بالا می‌برد که سفیدی زیر بغلهایش دیده می‌شد.»

صحیح‌البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۴۴: اسماعیل بن ابی خالد از قول ابو جحیفا روایت کرده است که او گفت، «من محمد پیامبر الله را دیده‌ام و حسن بن علی بسیار به‌او شباهت داشت.» من از ابوجحیفا خواستم، مشخصات محمد پیامبر الله را بیان کند. او گفت، «محمد سفیدپوست و ریشهایش جوگندمی بودند. او قول داده بود، ۱۳ شتر ماده به‌ما دهش کند، ولی پیش از وفای به‌عهد درگذشت.»

آتش دوزخ برای زنها .... ادامه مطلب

حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۲۹: محمد پیامبر الله گفت، «من آتش دوزخ را به‌چشم دیدم. بیشتر افرادی که در دوزخ در آتش می‌سوختند، زنهائی ناسپاس و خودسر بودند.»

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۳۰۱: پیامبر الله گفت، «ای زنان! شما باید صدقه بدهید، زیرا من به‌چشم دیدم که بیشتر ساکنان دوزخ از شما زنها بودند... من هیچ فردی را ندیده ام که از شما بیهوش‌تر و بدون مذهب‌تر باشد.»

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۱۶۱: «من آتش سرکش و استخوان سوز دوزخ را به‌چشم دیدم و بیشتر ساکنان دوزخ زنها بودند.»

محمد از آمرزش خود اطمینان نداشت

محمد، نمی‌دانست که الله در روز قیامت با او چه خواهد کرد.



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد پنجم، شماره ۲۶۶: پیامبر الله گفت، «به‌الله سوگند، اگرچه من پیامبر الله هستم، با این وجود نمی‌دانم، در روز قیامت الله با من چه خواهد کرد.»

محمد، پیامبر الله از چه چیزهائی می‌ترسید؟

حدیث

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۱۶۷:

زمانی خورشید گرفت و محمد از ترس از جای خود پرید، زیرا فکر کرد، روز قیامت فرا رسیده است.



هنگامی که ماه و یا خورشید می‌گرفت، محمد به وحشت می‌افتاد.



خوردن سیر و پیاز ممنوع

اگر شما سیر و پیاز بخورید ...



اگر پیش از نماز خواندن، دهان شما بوی بد بدهد، الله به‌شما گوش نخواهد داد.



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره ۸۱۲:

پیامبر الله گفته است، «هر کسی که سیر و پیاز خام و غیر پخته شده بخورد، نباید نزدیک مسجد ما بیاید.» همچنین، به‌حدیث‌های شماره ۸۱۳ تا ۸۱۵ نگاه کنید.

صحیح‌البخاری، جلد هفتم، شماره ۳۶۲:

عبدالعزیز روایت کرده است که از انس بن مالک پرسش شده است، «از پیامبر الله درباره سیر چه شنیدی؟» انس بن مالک پاسخ داده است، «هر کسی سیر بخورد نباید نزدیک مسجد بیاید.»

صحیح‌البخاری، جلد هفتم، شماره ۳۶۳:

جابر بن عبدالله از محمد پیامبر الله روایت کرده است که او گفت، «هر کسی سیر و یا پیاز خورده باشد، نباید نزدیک ما بیاید.»

احساس دهان دره از دوزخ سرچشمه می‌گیرد

بر پایه گفته محمد، «دهان دره کار شیطان است.»



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۰۹:

ابوهریره از قول محمد روایت کرده است که او گفت، «دهان دره کار شیطان است.»

آتش دوزخ برای زنها

محمد گفته است، «بیشتر فضای دوزخ را زنها پر می‌کنند.»





چکش آهنین .... ادامه مطلب

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۴۲۲: انس بن مالک روایت کرده است که پیامبر الله گفت، «هنگامی که فرد مرده‌ای را در گور می‌گذارند، دو فرشته نزد او می‌آیند و به‌او فرمان می‌دهند بنشیند و از او پرسش می‌کنند، ‹تو درباره محمد چه عقیده‌ای داری؟› مرده پاسخ می‌دهد، ‹گواهی می‌دهم که او بنده و رسول الله است.› آنگاه، فرشته‌ها به‌او می‌گویند، ‹به‌آتش دوزخ نگاه کن. الله به‌جای آن آتش دوزخ، به‌تو موهبت بهشت را ارزانی داشته است.› ولی یک فرد نامسلمان و یا منافق به‌فرشته‌ها می‌گوید، ‹من به‌هر چه که دیگران می‌گفتند، باور داشتم!› فرشته‌ها به‌او می‌گویند، ‹چرا تو از آنهائی که به‌حقایق آگاهی داشتند و یا با خواندن قرآن، راهنمائی نگرفتی؟› آنگاه فرشته‌ها با یک چکش آهنین به‌میان دو گوش او می‌کوبند و او آنچنان فریاد سر می‌دهد که بغیر از افراد بشر و جن‌ها، همه موجودات جهان، آنرا می‌شنوند.»

حدیث ۲۲۱۴ جلد اول از ابو داود، «او نیز از یک مرده بدون ایمان سخن به‌میان آورد و گفت، ‹پس از مرگ روان مرده وارد بدنش خواهد شد و دو فرشته نزد او می‌آیند و به‌او دستور می‌دهند، بنشیند و از وی پرسش می‌کنند، خدای او کیست؟ مرده پاسخ می‌دهد، افسوس، افسوس که نمی‌داند خدایش کیست. فرشته‌ها پرسش می‌کنند، دین او چیست؟ پاسخ می‌دهد، افسوس، افسوس که نمی‌داند. فرشته‌ها از او پرسش می‌کنند، چه کسی از میان شما به‌پیامبری الله برایتان فرستاده شد؟ پاسخ می‌دهد، افسوس، افسوس که نمی‌داند. آنگاه از بهشت فریادی به‌گوش می‌رسد که این فرد دروغگوست، در دوزخ را به‌رویش باز کنید و او را در آتش سرنگون نمائید. سپس، باد سوزانی از آتش دوزخ به سوی او خواهد آمد و گورش به‌گونه‌ای تنگ خواهد کرد که استخوانهایش در هم شکسته می‌شوند.› جابر افزوده است، ‹آنگاه، فرشته‌ای که کر و کور است با یک پتک آهنین مامور عذاب او خواهد شد و آنچنان پتک آهنین را به‌میان دو گوش آن مرده خواهد کوبید که اگر آن ضربه به‌کوه وارد شود، آنرا تبدیل به‌گرد و خاک خواهد کرد. در این زمان فریاد آن مرده را همه جهانیان در شرق و غرب عالم، بغیر از افراد بشر و جن‌ها خواهند شنید.›

فرشته‌ای‌که ۶۰۰ بال دارد.

بر پایه گفته محمد، فرشته جبرئیل، دارای ۶۰۰ بال است.



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد ششم، شماره ۳۸۰:

محمد پیامبر الله گفته است، «جبرئیل فرشته الله، دارای ۶۰۰ بال است و من آنرا به‌چشم دیده‌ام.»

خطر خواب رفتن در بین برگزاری نماز

شیطان در گوشهای کسی که در هنگام نماز خواندن به‌خواب رود، ادرار می‌کند.



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد دوم، شماره ۲۴۵: اگر کسی در هنگام برگزار کردن نماز به‌خواب رود، شیطان در گوشهایش ادرار خواهد کرد. عبدالله نیز روایت کرده است که محمد پیامبر الله اظهار داشت، «شیطان در گوشهای کسی که در هنگام نماز خواندن به‌خواب رود، ادرار می‌کند.»

پنجه‌های زندگی بخش





حدیث
صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۷۰

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۳: من قطرات آب را می‌دیدم که از زیر انگشتان او شروع به فوران کرد.

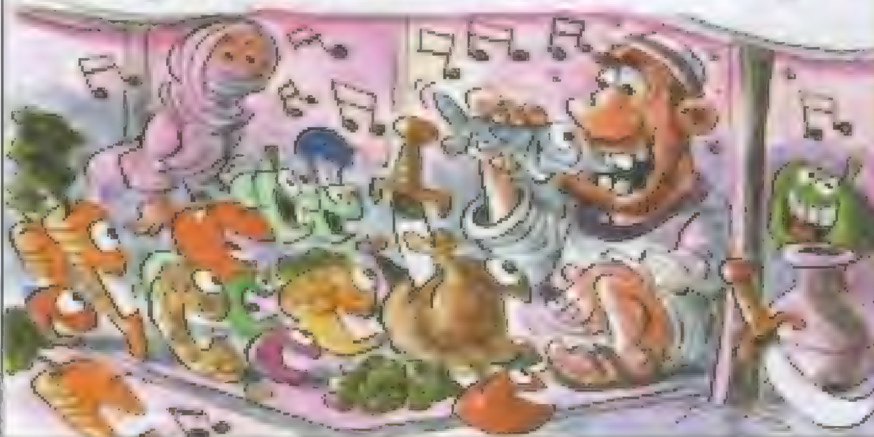
صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۶: و چون دست خود را در آن کوزه فرو برد، آب، مانند چشمه از زیر انگشتان وی فوران کرد.

غذایی که فریاد می‌زد

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۷۹ . . . ما بدون تردید مشاهده کردیم، هنگامی که محمد غذا در دهان می‌گذاشت، آن غذا الله را ستایش می‌کرد.





چکش الله

صحیح‌البخاری و صحیح مسلم، نوشته‌اند، ابو قتاده روایت کرده است که انس بن‌مالک گفت، محمد پیامبر الله اظهار داشت، «یک فرد مرده، هر دو مکان خود را خواهد دید. یک فرد نا مسلمان و یا منافق در برابر پرسش فرشته‌ها پاسخ خواهد داد، <آنچه که من می‌دانم اینست که منهم همان مطالبی را که سایر افراد بشر می‌گفتند، بر زبان می‌آوردم.> به‌او گفته خواهد شد، <پس چرا از آنهائی که علم و آگاهی داشتند، راهنمائی نخواستی؟> آنگاه، فرشته‌ها با یک چکش آهنین بین دو گوشهایش خواهند کوفت و او شروع به‌فریاد زدن خواهد کرد. فریادهای او را همه موجودات عالم بغیر از افراد بشر و جن‌ها خواهند شنید.



آشامیدن ادرار شتر

محمد به پیروانش فرمان داد که ادرار شتر بیاشامند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۲۳۴

محمد به آنها دستور داد، به محل وجود شترها بروند و شیر و ادرار آنها را بنوشند.

درختی که گریه سر داد.

زمانی که محمد به جای وعظ در زیر یک درخت خرما روی منبر رفت، ان درخت مانند یک کودک شیرخوار به گریه افتاد.



درخت انقدر گریه کرد تا اینکه محمد منبر را ترک کرد و به‌نوازش ان درخت پرداخت.



حدیث

صحیح البخاری، جلد دوم، شماره ۴۱: جبیربن عبدالله روایت کرده است: محمد عادت داشت پیش از استفاده از منبر، زیر شاخه‌ای از درخت خرما بایستد و موعظه کند. زمانی که برای او منبری ایجاد کردند، ان درخت مانند یک شتر ماده آبستن انقدر گریه کرد تا اینکه پیامبر الله از منبر پائین آمد و دستش را روی آن نخل خرما قرار داد.

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۸۳: ابن عمر روایت کرده است: محمد پیامبر عادت داشت که در کنار یک درخت خرما بایستد و برای پیروانش وعظ کند. هنگامی که برای او منبری ساخته شد، او به‌جای ایستادن در کنار نخل خرما، بالای منبر می‌رفت و موعظه می کرد. این موضوع سبب شد که درخت خرما گریه سر دهد تا اینکه محمد نزد آن درخت رفت و با نوازش آن، درخت از گریه کردن باز ایستاد.

محمد پیامبر، گاهی اوقات سحر و افسون می‌شد و مطالبی بر زبان می‌آورد که از درستی دور بود.



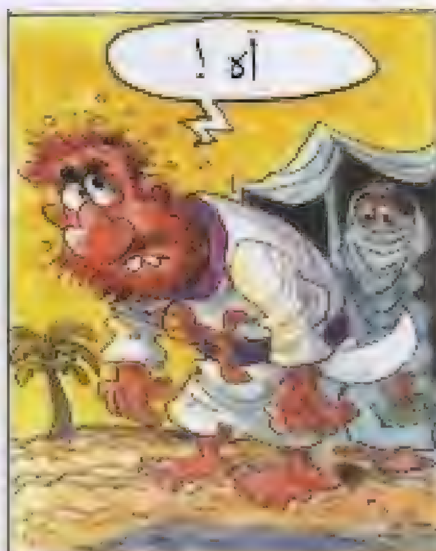
حدیث

صحیح‌البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۵۸: عایشه روایت کرده است که: مردی به‌نام لبید بن الاعصم از طایفه بنی زریق، محمد را سحر می‌کرد و او را وادار می‌نمود تصور کند کاری انجام داده که در واقع آن کار از او سر نزده بود.

صحیح‌البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۶۰: عایشه روایت کرده است که محمد پیامبر الله، گاهی اوقات سحر و افسون می‌شد و فکر می‌کرد با همسرانش همخوابگی کرده، در حالیکه در واقع به‌چنین عملی دست نزده بود ... «او در چنین زمانی زیر اثر سحر و افسون قرار می‌گرفت».

صحیح‌البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۶۱: عایشه روایت کرده است، محمد پیامبر را چنان سحر و افسون می‌کردند که او فکر می‌کرد، عملیاتی انجام داده که هیچگاه به‌آ ن کارها دست نزده بود.

موهای سر محمد، پیامبر الله، شپش داشت.





حدیث

صحیح‌البخاری، جلد نهم، شماره ۱۳۰: روزی محمد، نزد خانمی به‌نام ام حرام بنت ملحان که همسر عبادین الصامت بود، رفت. آن خانم برای محمد غذا آورد و شپشهای موهای محمد را از او دور کرد.

بالهای مرموز مگس

اگر در ابی که می‌خواهید بیاشامید مگس افتاده است، نگران مباشید و آبرا بیاشامید، بال دیگر آن دارای مادهای است که آن بیماری را شفا می‌بخشد.



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۳۷: ابو هریره روایت کرده است که محمد گفت، «اگر یک مگس خانگی در آب آشامیدنی بیفتد، باید آن را در آب غمس کرد، زیرا یک بال آن سبب ایجاد بیماری و بال دیگر آن موجب شفای بیماری خواهد شد.»

صحیح البخاری، جلد هفتم، شماره ۶۳۷: ابو هریره روایت کرده است که پیامبر اسلام گفت، «هرگاه مگسی در ظرف آب شما بیفتد، آن را در آب غمس کنید، سپس آنرا بیرون بیندازید، زیرا یک بال آن بیماری آور و بال دیگر آن سبب شفای آن بیماری خواهد شد.»

گاهی اوقات حتی محمد نیز بخشهائی از قرآن را فراموش می‌کرد.



حدیث

صحیح‌البخاری، جلد ششم، شماره ۵۵۸: عایشه روایت کرده است که از پیامبر الله شنید که فردی در شب قرآن می‌خواند، پیامبر گفت، «الله به‌این فرد بخشایش دهش فرمایدکه با خواندن قرآن، آیه‌هائی را که من فراموش کرده بودم، به‌یادم آورد.»

صحیح‌البخاری، جلد هفتم، شماره ۵۶۲: عایشه روایت کرده است که از پیامبر الله شنید که فردی شبی در مسجد قرآن می‌خواند، پیامبر گفت، «الله به‌این فرد برکت دهد که آیه‌هائی را که من فراموش بودم، به‌یادم آورد.»

غروب خورشید

هنگامی که خورشید از افق ناپدید می‌شود، به‌کجا می‌رود؟



خورشید در هنگام غروب، در چشمه آب تیره‌ای فرو می‌رود و به‌همین دلیل از آن پس تاریکی به‌وجود می‌اید.



قرآن

آیه ۸۶ سوره کهف: هنگامی که ذوالقرنین با غروب روبرو شد، فهمید که خورشید درچشمه آب تیره‌ای فرو رفته است.

افراد غیر مسلمان دارای هفت روده هستند.



حدیث

صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۵۱۱۳، فصل ۸۶۲: یک مسلمان با یک روده‌ولی یک فرد غیر مسلمان با هفت روده غذا می‌خورد.

ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله اظهار داشت، فرد غیر مسلمان با هفت روده‌ولی مسلمان مؤمن با یک روده غذا میخورد.

به‌حدیث‌های شماره ۵۱۱۴ تا ۱۱۱۲۰ نیز نگاه کنید.

هنگام نماز خواندن به‌سمت بالا نگاه نکنید.





حدیث

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۸۶۳، فصل ۱۷۳: نگاه کردن به سوی آسمان در هنگام نماز خواندن ممنوع است.

ابو هریره روایت کرده است که پیامبر الله گفته است، «مردم باید در هنگام دعا کردن و نماز خواندن از نگاه کردن به‌سوی آسمان خودداری کنند وگرنه حدقه‌های چشمهای آنها بیرون خواهد پرید.»



.... پیش از برگزاری نماز با شستشوی بینی،
شیطان را از سوراخ آن خارج کنید.

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۱۶: «شیطان تمام مدت شب را در بخش بالایی سوراخ بینی بیتوته می‌کند»

زیرنویس شماره (۱) ما باید باور داشته باشیم که شیطان در بخش بالائی بینی افراد مردم لانه می‌کند، ولی نمی‌دانیم این کار را چگونه انجام می‌دهد، زیرا آگاهی به‌این عمل وابسته به‌دنیای اسرار و رموز است که ما از آن چیزی نمی‌دانیم، مگر اینکه پیامبر الله از آن به‌ما آگاهی دهد.

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۴۶۲: ابو هریره روایت کرده است که پیامبر الله گفت، «زمانی که هر یک از شما از خواب بیدار می شوید و وضو می‌گیرید، باید سه مرتبه در بینی خود آب فروکشید؛ زیرا در هنگام شب شیطان در بخش داخلی سوراخ بینی شما بیتوته کرده است.»



بازی شطرنج ممنوع است.



حدیث

صحیح مسلم، جلد چهارم، شماره ۵۶۱۲، فصل ۹۶۶:

پیامبر الله گفت، «بازی شطرنج ممنوع است، زیرا هر کس به این بازی دست بزند، مانند است که در گوشت و خون خوک دست فرو کرده باشد.»

ورود سگ و گربه ممنوع است .... ادامه مطلب

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۵۵۲: حدیث دیگری شبیه به‌حدیث‌های بالا وجود دارد که بوسیله شعیب روایت شده، ولی متن آن با حدیث روایت شده بوسیله یحیی تفاوت دارد. بدین شرح که در حدیث یحیی محمد سگهای نگهبان گله، سگهای شکاری و سگهائی را که از کشتزارها نگهبانی می‌کنند، از کشتن معاف کرده، ولی حدیث روایت شده بوسیله شعیب تنها مورد سوم این استثناء را ذکر کرده و سگهای نگهبان کشتزارها را از کشتن معاف نموده است.

زیرنویس شماره ۴۸۶: اسلام سگ را جانوری نجس به‌شمار می‌آورد و خوردن گوشت آن و نگهداری آنرا در خانه‌ها برای مسلمانان ممنوع می‌داند. با این وجود، نگهداری سگ برای شکار، گله‌داری و پاسبانی مجاز است.

فصل ۴۴۸

بهاگزاری روی سگ ... و فروش گربه ممنوع است.

صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۳: ابو مسعودالانصاری روایت کرده است که پیامبر الله، بهاگزاری روی سگ را ممنوع برشمرده است.
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۶: خاجی روایت کرده است که پیامبر الله گفته است، «بهاگزاری روی سگ یک عمل نارواست.»
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۸: ابوزبیر گفته است، «من از جابر در باره بهای سگ و گربه پرسش کردم، پاسخ داد، پیامبر الله، این کار ممنوع برشمرده است.»
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۰۹: ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله فرمان داده است که باید همه سگها را کشت.
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۱۰: ابن عمر روایت کرده است که پیامبر الله فرمان داد، سگها را بکشیم و مردانی را به‌گوشه و کنار مدینه فرستاد تا سگها را نابود کنند.
صحیح مسلم، جلد سوم، شماره ۳۸۱۳: ابو زبیر شنیده است که جابربن عبدالله گفته است، «پیامبر الله به‌ما دستور داد سگها را بکشیم و ما تا آنجا دستور او را به‌مورد اجرا گذاشتیم که سگ زنی را هم که آن زن با خود از بیابان به‌شهر آورده بود، کشتیم.» محمد گفت، «وظیفه شماست، سگی را که دارای دو خال سیاه است، بکشید، زیرا او دیوی است که در کالبد سگ فرو رفته است.»

(به‌جلد سوم صحیح مسلم، حدیث‌های شماره ۳۸۱۴ تا ۳۸۲۹ نیز نگاه کنید.)

شیطان شبها در سوراخ بینی افراد مردم لانه می‌کند.





الله فرمان داد که آن مرد برای یکصد سال بمیرد.



سپس الله، او و الاغ و متعلقاتش را به‌همان شکلی که در روز مرگ داشتند، برگردانید.



حضرت آدم قدش ۳۰ متر بود!

حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم شماره ۵۴۳

ابو هریره روایت کرده است که پیامبرالله گفت،

«هنگامی که الله حضرت آدم را آفرید، قد او ۳۰ متر بود.»



محمد به پیروانش اظهار داشته است که قد آدم در زمان آفرینش ۳۰ متر و برابر با یک ساختمان سه طبقه بوده است.

ورود سگ و گربه ممنوع است.

اگر در خانه‌ای سگ وجود داشته باشد، هیچ فرشته‌ای وارد آن خانه نخواهد شد. گربه حیوان دست‌آموز نیست. گربه‌ها برای فروش نیستند.



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۳۹:

[illegible]

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۰:

[illegible]

صحیح مسلم، جلد اول، شماره ۵۵۱:

ابن مغفل روایت کرده محمد پیامبر الله فرمان داد، سگها را بکشند و سپس ... سگهای شکاری و گله را می‌توان از این قاعده مستثنی نمود و باز فرمان داد. [illegible]





قرآن

آیه‌های ۹ تا ۲۵ سوره کهف: آیا می‌دانی که رویداد یاران غار و سنگی که در آستانه در غار وجود داشت، از آیات شگفت‌انگیز ما هستند؟ آنگاه که جوانان کهف وارد غار شدند، گفتند، «ای الله، تو در حق ما مهر و محبت کن و ما را به‌راه راست هدایت فرما». ما سالهای متمادی بر روی گوشهایشان پرده بیهوشی کشیدیم. سپس، برای اینکه دریابیم، کدامیک از آن دوگروه جوانان، مدتی را که در خواب بوده‌اند، بهتر حدس می‌زنند، آنها را بیدار کردیم. ما داستان آنها را به‌درستی برای تو حکایت می‌کنیم .... آنها مدت ۳۰۹ سال در آن غار در خواب بودند.

مردی که برای یکصد سال مرده بود.



آیه ۲۵۹ سوره بقره: ... یا همانند آنکس که بر دهکده‌ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود. او گفت: «در شگفتم که الله چگونه این مردگان را زنده خواهد کرد؟» سپس، الله جان او را گرفت و مدت یکصد سال او را در حالت مردگی نگهداشت. سپس، او را زنده کرد و به او گفت: «چه مدت زمانی تو مرده بودی؟» پاسخ داد: «یک روز و یا بخشی از یک روز.» الله گفت: «خیر. تو مدت یکصد سال مرده بودی! اکنون به‌خوراک و آشامیدنی خود نظر افکن که هیچ تغییری در آنها رخ نداده و به الاغت نگاه کن. ما ترا برای مردم حجت و دلیل قرار دادیم. همچنین به استخوانهای خود نگاه کن که ما چگونه آنها را به‌هم پیوسته و گوشت بر روی آنها پوشانیدیم»



قرآن

آیه ۷۳ سوره اعراف: و به قوم ثمود گفتیم، این شتر ماده نشانی از سوی الله است. بگذارید او در زمین الله چرا کند و به او آزاری نرسانید، زیرا در غیر اینصورت به عذابی سخت گرفتار خواهید شد.

آیه ۷۷ سوره اعراف: ولی قوم ثمود از فرمان الله سرباز زدند و زانوهای شتر الله را پی کردند. آنگاه زلزله ای بر آنها وارد آمد و همه آنها را در هنگام بامداد در خانه‌هایشان نابود کرد.

آیه ۲۳ سوره القمر: قوم ثمود آیه های الله را تکذیب کردند و نادیده گرفتند.

آیه ۲۷ سوره القمر: ما این شتر ماده را برای آزمایش آنها فرستاده بودیم.

آیه ۲۹ سوره القمر: آن قوم رهبر خود را خواندند و او با شمشیر زانوهای آن شتر ماده را پی کرد.

آیه های ۳۰ و ۳۱ سوره القمر: پس بنگرید که عذاب و مجازات ما چگونه سخت بود. ما برای هلاک آنها یک گردباد عظیم فرستادیم و همه به شکل گیاه خشکی که به‌چارپایان می دهند، درآمدند.

آیه ۱۱ سوره شمس: پیامبر خدا (صالح) به‌آنها گفت، این شتر ماده الله است! از سیراب کردن آن خودداری نکنید. بنابر این، الله نیز بسبب گناهی که قوم ثمود در کشتن شترماده او مرتکب شدند، آنها را هلاک کرد و شهرشان را با خاک یکسان نمود.

قهرمانان غار





مهر پیامبری ...

قرآن

آیه ۴۰ سوره احزاب: محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست، بلکه او رسول الله بوده و مهر و نشان پیامبری بر او موجود است.

حدیث

صحیح البخاری، جلد اول، شماره ۱۸۹ و ۷۴۱ :

الصائب یزید روایت کرده است، «من پشت سر پیامبر الله ایستاده بودم و مهر پیامبری را بین شانه‌های او دیدم و آن به اندازه میخ یک خیمه کوچک و یا تخم یک کبک بود.»

صحیح‌البخاری، جلد چهارم، شماره ۷۴۱:

الصائب بن یزید گفته است، «من پشت سر پیامبر الله ایستاده بودم و نشان پیامبری را بین شانه‌های او مشاهده کردم.»

صحیح مسلم، جلد چهارم، شماره‌های ۵۷۹۳ - ۵۷۹۰:

جابر بن سمورا می‌گوید، «من مهر پیامبری را در پشت پیامبر الله دیدم. آن به اندازه تخم یک کبوتر بود.» این حدیث را سیماک نیز تایید کرده است. صائب‌بن‌یزید اظهار داشته است «خالوی من، مرا نزد پیامبر الله برد و ... من پشت سر او ایستادم و مهر پیامبری را بین دو کتف او مشاهده کردم.»

عبدالله بن سرجیس نیز اظهار داشته است، «من روزی با محمد پیامبر الله بودم و ما با یکدیگر نان و گوشت خوردیم... من سپس همراه او به خانه‌اش رفتم و مهر پیامبری را بین شانه‌های او در سمت چپ شانه‌اش مشاهده کردم که مانند یک خال سیاه بود.»

داستان پیامبری یک شتر ماده غول‌پیکر











حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شماره ۵۴۶

زمانی که عبدالله بن سلام شنید که محمد به مدینه وارد شده‌است، نزد او آمد و گفت، «من از تو ۳ پرسش دارم که به غیر از یک پیامبر، هیچ فرد دیگری پاسخ این پرسش‌ها را نمی‌داند.

۱) نخستین نشانه فرا رسیدن روز قیامت چیست؟
۲) نخستین خوراکی که ساکنان بهشت خواهند خورد چیست؟
۳) چرا یک فرد شبیه پدر و دیگری شبیه مادرش می‌باشد؟

پیامبر الله، اظهار داشت، «جبرییل فرشته هم اکنون، پاسخ پرسش‌های تو را به من وحی کرد.»
عبدالله بن سلام به محمد گفت، «جبرییل فرشته از همه فرشته ها بیشتر دشمن یهودی هاست.»



پیامبر الله گفت، نخستین نشانه روز قیامت، آتشی‌ست که مردم را از شرق به غرب خواهد آورد، و نخستین خوراکی که یک فرد بهشتی خواهد خورد، جگر ماهی‌ست

در باره شباهت کودک به پدر و یا مادر باید دانست که اگر در هنگام همخوابگی مرد زودتر به نقطه ارضای جنسی برسد، کودک شبیه به پدر و هر گاه زن زودتر به نقطه رضایت جنسی دست یابد، کودک شبیه مادر خواهد شد.

مهر پیامبری





قلب او به شدت می‌تپید، چهره‌اش قرمز می‌شد و روی زمین می‌افتاد.



هنگامی که به محمد وحی می‌شد، او به شدت عرق می‌کرد و کف از دهانش سرازیر می‌شد. در این زمان او مانند شتر و یا شخصی که در خواب است خرناس می‌کشید.



در هنگام وحی، پیروانش او را تا پایان وحی با یک ملافه می‌پوشاندند.



هنگامی که وحی به پایان می‌رسید، محمد شروع به خواندن قران می‌کرد.



حدیث

در هنگام وحی در گوشهای محمد زنگ به صدا در می‌آمد، چهره‌اش قرمز می‌شد و نفسش به تنگی می‌افتاد. او در این زمان یا روی زمین می‌افتاد و یا دراز می‌کشید. در حالت وحی، بدن محمد به شدت می‌لرزید، چشمانش باز می‌ماند، لبانش به لرزه می‌افتاد، کف از گوشه‌های دهانش سرازیر می‌شد و بدنش به شدت عرق می‌کرد. او در زمان وحی چیزهایی را می‌شنید و می‌دید که هیچ فردی در جهان ندیده و نشنیده‌است. او برخی اوقات در زمان وحی مانند شتر خرناس می‌کشید و او را با یک ملافه می‌پوشاندند. صحیح‌البخاری، جلد اول، شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴. جلد دوم، فصل ۱۱، صفحه ۳۵۵. جلد سوم، شماره‌های ۱۷ و ۸۲۹. جلد چهارم، شماره‌های ۹۵، ۴۹۸، ۵۰۹، ۶۲۱. جلد پنجم، شماره‌های ۲۷۰، ۴۱۳، ۶۱۸، ۶۵۹. جلد ششم شماره‌های ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۶۸، ۴۷۸، ۴۸۱ و ۵۰۸

نشانه پیامبری

زمانی مردی برای اینکه بفهمد آیا محمد براستی پیامبر الله هست یا نه، از او پرسش‌هایی بعمل آورد.



چرا یک فرد انسان شبیه پدر و دیگری شبیه دایی‌اش می‌شود.



حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، شمارهٔ ۵۲۴، صفحهٔ ۳۲۳:

پیامبر فرمود: « یکی از اقوام یهودی ناپدید شد. هیچکس نمی‌داند چرا آن قوم ناپدید شد و به سر افراد آن چه آمد. ولی بنا به باور من، آنها به فرمان الله تبدیل به موش شدند. دلیل این امر آنست که اگر شما شیر یک شتر ماده را نزد یک موش بگذارید آن را نخواهد آشامید، ولی هر گاه شیر گوسفند را جلوی موش بگذارید، آن را خواهد آشامید.» (۱) اسراییلی‌ها از خوردن گوشت شتر و آشامیدن شیر آن منع شده، ولی خوردن گوشت گوسفند و آشامیدن شیر آن برایشان مجاز بود.

پیامبر الله از اینکه موش ها بخوردن شیر گوسفند عادت داشتند به این حقیقت پی برد که برخی از اسراییلی‌ها به موش تبدیل شده‌اند. (۲) ولی، مدتی بعد، به پیامبر وحی رسید که اسراییلی‌ها به خوک و موش تبدیل شده‌اند و باور او درست از آب درآمد.

وحی به محمد

محمد هرگز نمی‌دانست، چه زمانی به او وحی خواهد شد.



هر زمانی که به محمد وحی می‌شد، گوشهای او زنگ می‌زدند.







حدیث

صحیح البخاری، جلد چهارم، فصل ۳۲، صفحهٔ ۴۱۵:

الله می‌فرماید، ای پیامبر، از مردم در بارهٔ شهری که در کنار دریا واقع بود و آنها در ساحل دریا مقررات روز شنبه را نادیده گرفتند، پرسش کن. در حالیکه در روزهای غیر شنبه از ماهی‌ها در آن دریا نشانه‌ای بچشم نمی‌خورد، ولی روز شنبه ماهی‌ها نزد مردم آن شهر آمدند تا آنها را وسوسه کنند که شکارشان نمایند. الله نیز آنها را مجازات کرد و فرمود: «به شکل بوزینه درآیید، ای بیچاره‌های بخت برگشته.»

یهودی‌های خوک و موش شده







مردهایی که الله آنها را بوزینه کرد







قرآن:

آیهٔ ۶۵ سورهٔ بقره:

و شما بخوبی آگاهی دارید آنهایی که از میان شما احترام روز شنبه را نگه نداشتند، به آنها گفتیم: «بوزینه شوید! بدبخت و بیچاره گردیده و از درگاه ما دور شوید.»

آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ سورهٔ اعراف:

ای پیامبر، از قوم بنی اسرائیل در بارهٔ شهری که در ساحل دریا بود، پرسش کن. از آنها بپرس که چرا در روز شنبه مرتکب گناه شدند. بدین شرح که آنها روز شنبه، هنگامی که در کنار ساحل بودند، ماهی‌ها نزد آنها آمدند و سرشان را از آب دریا در آوردند (تا آنها را وسوسه کنند که شکارشان نمایند)، در حالیکه ماهی‌ها در روزهای غیر شنبه دست به این کار نمی‌زدند. ما نیز آنها را برای انجام این کار اغوا کردیم، زیرا آنها گناه‌پیشه بودند. چون پند و موعظهٔ آموزشگران در آنها اثری نکرد، برخی از افراد آن گروه گفتند: «چرا شما قومی را که از جانب الله محکوم به مجازات های سخت و نابودی هستند، موعظه می کنید؟» آموزشگران پاسخ دادند: «برای اینکه وظیفهٔ خود را در برابر الله آنها به فرجام برسانیم و شاید آنها خدا ترس شوند.» و چون آنها به پندهای آموزشگران گوش ندادند ما هم افرادی را که آموزشگر بودند نجات دادیم، ولی آنهایی را که ستمکار بودند، به بدترین عذاب‌ها مجازات کردیم. هنگامی که آنها با تکبر و گستاخی مرتکب اعمال نکوهیده شدند، به آنها گفتیم: «به شکل بوزینه در آیید! ای بدبخت‌های از بخشایش دورمانده»